



۲۰۲۰/۰۹/۲۷

عارف عباسی

خروج قسمی یا کامل سپاه به نفع ترمپ است نه امریکا!

رسانه سیاسی و اقتصادی مشهور بلومبرگ Bloomberg این موضوع را طی سر مقاله ای به تاریخ ۲۲ سپتمبر به تحلیل گرفته که ترجمه آن را خدمت خوانندگان محترم تقدیم می نمایم:

رئیس جمهور "ترمپ" را اراده بر آن است که قبل از انتخابات ماه نومبر هزاران سپاه خود را از افغانستان و عراق به خانه فرا خواند، تا وفاداری خود را به عهد مبنی بر ختم جنگ های امریکا در بلاد اسلامی به نمایش بگذارد. در حقیقت تقلیل به یک سطحی که از امکان درگیری مجدد در چنین منازعات جلوگیری کند، باید یک تعداد عساکر، مطابق اهداف مشخص و عقلانیت وظیفوی در ساحه نگهداشته شود.

در واقعیت امر «جنگ های نافرجام و متداوم» که "ترمپ" متواتر در اظهار آن گریبان می درد مطابق کلیه اهداف عملی قبلاً ختم شده. نقش پای نظامی امریکا در افغانستان و عراق به سطح قابل ملاحظه کاهش یافته. در عراق از اوج حضور ۱۷۰۰۰۰ به ۵۲۰۰۰ و در افغانستان از ۱۰۰۰۰۰ به ۸۶۰۰۰ تقلیل یافته. به شمول متحدین ناتو و دیگر ممالک دوست.

متباقی سپاه موجود خدمات بی نهایت مهم و برارنده را با کم ترین مصارف در ممالک مقیم انجام می دهند. در افغانستان قوای مستأصل نظامی را تربیه و تقویه می نمایند. هم چنان معلومات استخباراتی را جمع آوری نموده و وظایف اهداف خاص مبارزه با تروریسم را انجام می دهند.

هکذا این قوا بر وزن و اعتبار حکومت کابل می افزایند که در این اواخر مذاکرات صلح را با طالبان آغاز نموده اند. در عراق به گونه مؤثر با قطعات محلی همکار بوده عروج مجدد داعش را تحت مراقبت قرار داده اند، و قطعات کماندو را از انشعابات مذهبی و قبیله‌ی مبری نگه می دارند، که یک رسم متداول کنونی سیاسی است. از نفوذ ایران در مقامات فرماندهی جلوگیری می کنند. و موقف صدراعظم اصلاح طلب مصطفی الکاظمی را استحکام می بخشند چه او یک قاعده متنفذ سیاسی از خود ندارد.

خروج قسمی سپاه نباید اهداف و رسالت های مهم را متضرر و یا متوقف گرداند (پنتاگون اندر خیال تقلیل قوا به ۳۰۰۰ در عراق و ۴۵۰۰ در افغانستان است).

شاید قراردادی ها و منابع دیگر این خلاء را پر کند.

باز هم اظهار "مایک پومپئو" امیدوار کننده است که خروج کامل از افغانستان را منوط به مطمئن شدن از قطع روابط طالبان با القاعده می داند. امریکا ۱۰۰ سپاهی اضافی را به سوریه به خاطر برخورد اخیر با قشون روسیه فرستاد.

"ترمپ" به وضاحت از تقلیل سپاه به صفر سخن می گوید که یک تصمیم سیاسی غلط است، امریکا تا حال علایق و منافع زیادی در منطقه دارد به شمول جلوگیری از یک تهاجم ناگهانی تروریستی، جریان مصون و مطمئن انتقال نفت از معابر آبی. و محدود ساختن نوسانات فعالیت های ایران در خارج از سرحداتش.

فرا خوانی عساکر باید مطابق یک طرح دقیق و سنجیده شده صورت گیرد تا متضمن متیقن شدن از حفظ و حمایت این علایق و مسؤولیت ها باشد، که مبادا بروز خطرات احتمالی و خرابی اوضاع امریکا را مجبور به عودت نگرداند. تعداد محدود عساکر امریکایی با مشارکت متحدین بین المللی و همکاری قوای محلی مترادف با حمایت قوای هوایی امریکا همانطوری که در مبارزه مظفرانه علیه دولت اسلامی صورت گرفت این خطرات را کاهش می دهد. برای استمرار قوای نظامی امریکا در بیرون مملکت سیاسیون و امرای نظامی امریکا با مردم صادق بوده از سیاست شفافیت استفاده نمایند و به مردم بفهمانند که دلیل سوقیات نظامی به کشوری چیست، و به چه تعداد سوق شده و برای چه مدتی.

کانگرس امریکا اعطای صلاحیت های بیش از حد مغشوش جنگ را با رؤسای جمهور ملغی قرار دهد چنان چه چنین صلاحیت ها در تداوم جنگ در عراق و افغانستان و یا ممالک دیگر داده شد، مقررات مشخص محدود به ساحات جغرافیایی و زمان دوام وظیفه وضع گردد. رؤسای جمهور باید از مؤثریت و هدف سوقیات به ملت جوابگو باشد. امریکا هم چنان رهکرد های سیاسی و اقتصادی متداوم و پایدار را روی دست گیرد تا مشکلات را بدون متوسل شدن به پنتاگون خود حل نموده و هر مشکلی را به پنتاگون حواله نکند بعضی از معضلات توسط سوقیات نظامی صرف نظر از تعداد عساکر و تجهیزات حل نمی گردد، به طور مثال حکومت و قوای نظامی افغانستان بیشتر به کمک مالی امریکا احتیاج دارند نه به خاطر تقلیل قوای نظامی اش بلکه تداوم بحران و نیازمندی های مؤجه که نه تنها امریکا بلکه شرکا و کمک دهندگان دیگر هم سهم بگیرند. برای نگهداشت ایجابات که بالای ایران در توافق نامه سال ۲۰۱۵ وضع شده شمول در مذاکرات نو و وسیع البنیاد به مراتب کم مصرف تر است از آنچه که برای در هم شکستن جنگ های نیابتی و ملیشه یی ایران در مناطق مختلف توسط قوای نظامی صورت گیرد. ثبات در منطقه مانع جنگ های دوامدار است و امکان مناسب رسیدن به این هدف حضور سپاه امریکا در ساحه است نه در عدم آن.



[برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک کنید](#)